



دو بخش بازیافته از اصل عربی کتاب الصیدنة ابوریحان بیرونی

علی صفری آق‌قلعه^۱

کتاب الصیدنه فی الطب استاد ابوریحان بیرونی (۳۶۲-۴۴۰ق) به چندین اعتبار، مهم‌ترین نوشته دوره اسلامی درباره ماهیت داروها- گیاهی، معدنی و جانوری- است. ابوریحان این اثر را در اواخر عمرش به زبان عربی نگاشته است. بعدها این اثر در نیمه نخست سده هفتم در دوره پادشاهی شمس‌الدین ایلتتمش (۶۰۷-۶۳۳ق) از سلاطین دهلی توسط قاضی جلال‌الدین ابوبکر بن علی بن عثمان بن اسفرا کاسانی به فارسی برگردانده شد.

از ترجمه فارسی، نسخه‌های فراوانی به دست آمده و بر اساس مهم‌ترین آن‌ها به چاپ رسیده است؛ اما متأسفانه از متن عربی تاکنون فقط یک نسخه شناسایی شده است. نسخه مورخ ۶۷۸ ق و متعلق به کتابخانه مدرسه جامع حاج ابراهیم قورشونلو اوغلی در ایالت بورسا (ترکیه) بوده و اکنون به شماره ۱۴۹ در مجموعه قورشونلو در کتابخانه نسخه‌ها و چاپ‌های کهن بورسا نگهداری می‌شود. بیش‌تر نسخه به خط شخصی موسوم به «دیودست» بوده که علی‌الظاهر باید «فخرالدین دیودست» از مریدان جلال‌الدین محمد بلخی (۶۰۴-۶۷۲ق) و یکی از ادبا و مدرّسان مرتبط با دستگاه مولویه باشد (صفری آق‌قلعه ۱۳۹۰: ۳۸-۳۹).

نسخه عربی متأسفانه در پنج جا افتادگی‌های عمده دارد (بیرونی ۱۳۷۰: بیست و یک [مقدمه زریاب]) و چون نسخه دیگری از متن عربی تاکنون به دست نیامده، تکمیل بخش‌های افتاده همچنان ناممکن مانده است. استاد زریاب خوبی بخش‌هایی از متن عربی صیدنه را که در حاشیه دستنویسی از منهاج‌البیان ابن جزله مندرج در یک مجموعه پزشکی (نسخه ۸۱۹۰ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مورخ ۶۱۵ق) نقل شده بود شناسایی کرده و برخی از افتادگی‌های متن را از روی

۱. پژوهشگر متون دوره اسلامی alisafari_m@yahoo.com

همین منقولات تکمیل کردند.^۱

خوشبختانه دو بخش از متن عربی کتاب الصيدنه در برگه‌های پایانی مجموعه‌ای پزشکی حاوی فصول ابقرط و منهج‌البیان ابن‌جزله (نسخه ۹۴۵۲ خاوری کتابخانه بریتانیا، مورخ ۶۹۰ ق) نقل شده است که در نوشته کنونی به آن پرداخته‌ایم.

الف: یکی از این افتادگی‌های نسخ عربی صیدنه در میانه برگ‌های ۴۴ و ۴۵ مربوط به بخش‌هایی از پایان مدخل «تین» تا اوایل مدخل «جندیدستر» است (بیرونی ۱۳۷۰: ۱۵۸ - ۱۹۰). از مدخل‌های افتاده این بخش یکی هم «جاویزن» است. این مدخل در ترجمه فارسی موجود است (بیرونی ۱۳۵۸: ۲۰۱) و اختصاری از متن عربی آن نیز در حاشیه منهج‌البیان (گ ۶۷ پ) موجود بوده و لذا استاد زریاب آن را از روی این دو منبع به چاپ رسانیده‌اند (بیرونی ۱۳۷۰: ۱۷۱ [چاپ پاکستان ندارد]). بخشی از این مدخل با اختصاراتی در مجموعه کتابخانه بریتانیا (گ ۶۲ پ - ۶۴ ر [برگه ۶۳ نامربوط]) بدین عبارات نقل شده است:

«فایده آخری: کاوروزن^۲ هو حجر الثیران ویوجد فی مرارة الثیران. اصفر کُمّحة البیض من مقدار دانق الی اربعة دراهم. واكثره یکون فی مرارات الثیران الهندية [یک برگه نامرتبط در میانه] کحجرالتیس الموجود فی مرارات تیوس الجبلية. ویوخذ سیالاً ویجمد اذا امسک فی الفم ساعة. ویستعمله العوام للنهوش واللدغات والیرقان. هکذا ذکر ابوریحان فی الصيدنة».

این عبارات با آنچه در حواشی منهج‌البیان بوده دارای اشتراکاتی است که نشان می‌دهد هر دو مبتنی بر صیدنه بیرونی هستند. چنانکه کریموف (بیرونی ۱۳۸۳: ۳۹۱) نیز اشاره کرده، بیرونی در الجماهر فی الجواهر ذیل حجرالتیس به جاویزن اشاره کرده است (بیرونی ۱۳۷۴: ۳۳۰). اشتراک مضامین و عبارات الجماهر با دو مأخذ پیش‌گفته نشان می‌دهد که این هر دو برگرفته از نوشته بیرونی بوده‌اند. عبارات الجماهر چنین است:

«وزعم قوم ان هذا التریاق الفارسی یوجد من الوعل فی مرارته کما یوجد جاویزن فی مرارة الثور. وقال حمزة: ان جاویزن تعریب گاوزوزن [کذا] بالفارسیة. وهو شیء اصفر کُمّحة بیضة من وزن دانق الی اربعة دراهم، یکون

۱. چاپ پاکستان از کتاب الصيدنه علی‌الظاهر از نسخه‌ای فراهم آمده که برای اب‌انستاس کرملی (۱۸۸۶ - ۱۹۴۷ م) استساخته شده بود. کرملی افتادگی‌های نسخه بورسرا را از منابع دیگر به صورت گمانی به پایان نسخه خود افزوده و حتی مواردی نامرتبط را در متن وارد کرده است. متأسفانه متصدیان چاپ پاکستان بدون اشاره به موضوع، این موارد را به متن وارد کرده‌اند (بیرونی ۱۳۷۰: بیست و دو [مقدمه زریاب]).

۲. حرف ژ در نسخه به سه نقطه است.

سیالاً مدحرجاً وقت اخراجه من المرارة ثم یجمد اذا امسک فی الفم ساعةً ویصلب. ویكون اكثره بأرض الهند ومنها یجلب ویستعمله الناس فی الیرقان؛ ویزعمون انه یفتح السدد ویذهب بالصفار كما یفعله التریاق الفارسی»^۱.

فايدة احمدی
 کاوروزن هو حجر لثران ویوجد فی مرارة الشان
 اصفر کحمة لبيض من مقدار کاقالی اربعة
 دراهم واکثره یكون فی مرارات الشران الهندیة

کجر لیس لموجود فی مرارات تیوس الجلیة ویوجد
 سیالاً ویجمد اذا امسک فی الفم ساعةً ویستعمله
 العوام للتهوس واللغات والیرقان هکذا ذکر
 ابو ریحان فی الصیدنة ه

با توجه به کاربرد واژه «الفم» در عبارت یاد شده از الجماهر و نسخه کتابخانه بریتانیا و حواشی منهج‌البیان روشن است که واژه «هاون» در عبارت زیر در متن چاپی ترجمه فارسی (بیرونی ۱۳۵۸: ۲۰۱) نادرست است:

«و اول که از زهره گاو بیرون آید محکم نباشد و چون زمانی او را در هاون بدارند محکم شود».

۱. «گروهی چنین پندارند که این تریاق پارسی در کیسه صفرای بز کوهی یافت می‌شود، همچنان که جاویزن در کیسه صفرای گاو نر. حمزه گوید: جاویزن معرب گاوزوزن فارسی است، و آن شینی کوچک همچون زرده تخم مرغ است که از یک دانگ (یک ششم درهم) تا چهار درهم وزن دارد، و چون از صفرا خارج شود مایع و روان باشد و آنگاه چون لختی در دهان گیرند خشک و سخت شود. بیشترین این ماده در سرزمین هند باشد و مردمان گونه‌ای از آن را آورند و در درمان یرقان از آن بهره گیرند و چنین پندارند که آن موجب باز شدن رگ‌ها و از میان رفتن زردآب شود، همچنان که تریاق پارسی نیز چنین کند.» (ترجمه آقای محمد باهر)

این واژه باید به «دهان» تصحیح شود و این ضبط را نسخه ۶۶۱۶ کتابخانه مجلس (گ ۱۰۶ پ) از ترجمه صیدنه تأیید می‌کند. ضمناً عبارت زیر که در نسخه مجلس (همانجا)، نسخه ۵۳۵۱ کتابخانه فرهنگ اصفهان (گ ۵۴ پ) و چاپ کریموف (بیرونی ۱۳۸۳: ۳۹۱) در آغاز این مدخل دیده می‌شود از متن چاپی ترجمه فارسی افتاده است:

«جاوریژن: معرب گاوروژن است^۱ و فزاری گوید ... الخ».

ب: بخش دیگر منقول از صیدنه که در نسخه کتابخانه بریتانیا (گ ۶۴ ر - ۶۴ پ) دیده می‌شود مربوط به مدخل «زهم» است. خوشبختانه این بخش در نسخه عربی صیدنه موجود بوده و در متن چاپی هم آمده است (بیرونی ۲۰۱۱: ۶۹ ر؛ همو ۱۳۷۰: ۳۲۱؛ همو ۱۹۷۳: ۲۱۰). متن نسخه بریتانیا در این مدخل مختصر شده و برخی مطالب آن جابجا نقل شده است اما چون ضبط‌های نسخه بریتانیا می‌تواند در تصحیح یا تأیید ضبط‌های متن عربی سودمند باشد، آن را در زیر نقل می‌کنیم:

«فايدة ايضاً؛ زهم: هو الزباد وهو بالهنديّة كتورّه وحيوانه كتورّه بلاري أی ستورالمسك. ومسكه يسمي بالهندي تندي وهو خصي الزباد وضروعه. و الزهم فيه كهينة العيون الجامدة فيفتح ويعصر ويستخرج ما فيه. وقوم يكرهونه من اجل انه ميت وهو ك [الهرة] اطول خطأ يوجد الرايحة من جميع جسدها يصاد ويسلخ جلدها ويقور كالدراهم ثم يقور خصية الذكر وضرع الانثى ويعالج بما يمسك رايحته ويجلب الى البصرة. و اذا اخرج منها الزهم خلط بمعجونات النساء وربما وضعت الانثى فتكون الرايحة في لبنها وربما عصرت خصي الذكر برفق، فيخرج مما حولها عرق ثخين ذكي كدهن الجامد في رايحة المسك الاذفر. ولا يفرق بينه وبين المسك الفانق [تق] رايحة الا البصراً. ويباع بالبصرة بسعر المسك. [والله اعلم] بالصواب».

کتاب الصیدنه یکی از دشوارترین متون برای تصحیح است و با اینکه مصححان متن عربی و ترجمه فارسی در کار خود بسیار کوشیده‌اند، هنوز موارد بسیاری در هر دو متن هست که باید رفته‌رفته توسط پژوهشگران متخصص در دانش‌های گوناگون تکمیل شود. بخشی از افتادگی‌ها و کاستی‌ها و نادرستی‌ها هم باید با منابع تازه‌یاب تکمیل شود و نوشته کنونی با هدف شناسایی یکی از همین منابع نگاشته آمد.

۱. در ضبط اختلاف این واژه در پاورقی اشتباهی روی داده و ضبط «دهان» از نسخه اصفهان دانسته شده است.

۲. نسخه مجلس: «کاوروژنست» [با ژ]؛ نسخه کتابخانه فرهنگ: «کاوروژنست».

فايدة الصاه

زهم هو الزهر هو بالهندية كقول وجوانه كقوله
 بلاري اي سلسك ومسكه يسمي بالهندي ندي
 وهو حصى الزباد وعه والزهم فيه كهيئة العود
 الجامة يفتح ويبيع تخرج ما فيه وقوم يرمونه
 من اجل انه ميت وهو اطول خطا يوجد

الرايحة من جميع جسدها يصاد وينسخ جلد ما و
 يقور كالذراهم ثم يقور حصى الذكر ويخرج الا
 ويبالغ بما يسكن رايحة ويحبك الى البصرة واذا
 اخرج منها الزهم خطا بمجونات النساء و ربما صنعت
 الاشي فلكون الرايحة في لبنها و ربما عصرت حصى
 الذكر برفق فيخرج مما حولها عرق حين ذك
 لكن من الجامة في رايحة المسك الاذفر ولا يفوت
 بينه وبين المسك الفيا ايحة الا البصر و يباع
 بالبصرة بسعر المسك الفيا الصواب

کتابنامه

بيروني، ابوريحان محمد بن احمد، ۱۳۵۸ش، صيدنه (ترجمة فارسي)، ترجمة ابوبكر بن علي بن عثمان كاساني، به كوشش منوچهر ستوده و ايرج افشار، تهران، شركت افست.
 بيروني، ابوريحان محمد بن احمد، ۱۳۷۰ش، كتاب الصيدنه في الطب، به كوشش دكتور عباس زرياب خويي، تهران، مركز نشر دانشگاهي.

بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد، ۱۳۷۴ش، الجماهر فی الجواهر، به کوشش یوسف الهادی، دفتر نشر میراث مکتوب و انتشارات علمی و فرهنگی.

بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد، ۱۳۸۳ش، الصيدنه فی الطب، به کوشش او. ای. کریموف، ترجمه باقر مظفرزاده، تهران، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد، ۱۹۷۳م، کتاب الصيدنه فی الطب (متن عربی و ترجمه انگلیسی)، تحقیق حکیم محمد سعید و دکتر رانا احسان الهی، کراچی، مؤسسه ملی همدرد.

بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد، ۲۰۱۱م، کتاب الصيدنه فی الطب (چاپ عکسی و ترجمه ترکی)، ترجمه اسین کاهیه، آنکارا، وزارت فرهنگ و گردشگری جمهوری ترکیه.

صفری آق قلعه، علی، ۱۳۹۰ش: «چهارپاره دوم: دیودست و صیدنه ابوریحان بیرونی و...»، گزارش میراث، شماره پیاپی ۴۵ [خرداد و تیر]، ص ۳۸-۴۱.

